

Dating Ancient Qur'anic Manuscripts and the Challenges of Attributing Them to the Era of the Prophet Mohammad (PBUH)

Mohammad Kazem Shaker¹ 

Abstract

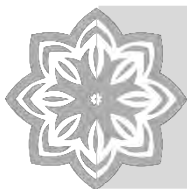
This study examines the history of the written Qur'anic text and evaluates methods for dating ancient manuscripts, aiming to answer whether any existing copy or copies of the Qur'an can be attributed to the lifetime of the Prophet Mohammad (PBUH). An examination of narratives and historical accounts, ancient manuscripts, and previous research on these manuscripts indicates that none of the existing early copies of the Qur'an can be reliably dated to the lifetime of the Prophet (PBUH). Nevertheless, the fact that the existing manuscripts exhibit no major discrepancies with variations limited to a few letters, isolated words, and, in very rare cases, short phrases suggests that these manuscripts are derived from earlier precise written texts. Utilizing a library-based research method and drawing on historical sources, early Arabic inscriptions, and the characteristics of ancient manuscripts, this study concludes that the existing early manuscripts reflect the *ṣuḥuf* (scrolls) that were written by the scribes of revelation during the Prophet's lifetime, as explicitly mentioned in the Qur'anic text itself. Furthermore, by examining the results of radiocarbon dating (C-14) and comparing various manuscripts, it can be concluded that ancient manuscripts written in the slanted script, known as the "Hijāzī script", all date back to the first century AH.

Keywords: Qur'an, Ancient manuscripts, Dating of manuscripts, Dating methods, Slanted script, Radiocarbon dating (C-14).

Citation: Shaker, M.K. (2026). "Dating Ancient Qur'anic Manuscripts and the Challenges of Attributing Them to the Era of the Prophet Mohammad (PBUH)". *Hadith-based Qur'anic Research*, 1 (3), 4-28. (In Persian)

*.Received: 2025/08/13, Revised: 2025/11/06, Accepted: 2025/11/11.

1. Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding Author Email: Mk.shaker@atu.ac.ir.



تاریخ گذاری مصاحف کهن و چالش های انتساب آن ها به عصر پیامبر (ص)

محمد کاظم شاکر^۱

چکیده

این پژوهش با بررسی تاریخچه متن مکتوب قرآن و ارزیابی روش های تاریخ گذاری مصاحف کهن در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا می توان نسخه یا نسخه هایی از قرآن را به زمان حیات پیامبر گرامی اسلام (ص) نسبت داد. بررسی روایات و گزارش های تاریخی، مصاحف کهن و نتایج پژوهش های پیشین درباره این مصاحف، نشان می دهد که هیچ نسخه ای از نسخه های کهن موجود از قرآن کریم را نمی توان به زمان حیات پیامبر اکرم (ص) منتسب دانست. با این حال، از اینکه مصاحف موجود اختلاف عمده ای با یکدیگر ندارند و اختلافاتشان در موارد اندکی از حروف و تکواژها و در موارد بسیار نادر در حد چند عبارت کوتاه است، می توان دریافت که این مصاحف مسبوق به متون مکتوب و دقیق از مصاحف پیش از خود بوده اند. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و استناد به منابع تاریخی و نقوش قدیم عربی و ویژگی های مصاحف کهن، به این نتیجه رسیده است که مصاحف کهن موجود، بازتاب دهنده صُحفی هستند که در زمان پیامبر (ص) توسط کاتبان وحی نوشته شده و در متن قرآن نیز بدان تصریح شده است. همچنین، با بررسی نتایج آزمایش های کربن ۱۴ و مقایسه مصاحف مختلف، می توان به این نتیجه رسید که مصاحف کهن با خط مایل، که موسوم به «خط حجازی» است، همگی متعلق به سده نخست هجری است.

واژگان کلیدی: قرآن، مصاحف کهن، تاریخ گذاری مصاحف، روش های تاریخ گذاری، خط مایل، آزمایش کربن ۱۴.

استناد: شاکر، محمد کاظم (۱۴۰۴). «تاریخ گذاری مصاحف کهن و چالش های انتساب آن ها به عصر پیامبر (ص)». قرآن پژوهی روایی، ۱ (۳)، ۴-۲۸.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Mk.shaker@atu.ac.ir

۱- بیان مسئله

قرآن به عنوان نخستین کتاب عربی در تاریخ شناخته می شود (مارکس، ۱۳۹۱، ص ۹۵) و تاریخ سرزمین عربستان کتاب مدون دیگری به جز قرآن نمی شناسد (Versteegh, Vol.2, P.264). با این حال، در تاریخ دقیق تدوین قرآن به صورت یک مصحف، اختلاف نظر است. با انتشار پژوهش های خاورشناسانی مانند جان ونزبرو، جerald هاوتینگ، پاتریشیا کرونه و مایکل کوک، فرضیه های مختلفی برای تاریخ تثبیت متن نهایی قرآن عرضه شده است، تا جایی که برخی از آن ها تاریخ شکل گیری قرآن را اواخر سده دوم و حتی اوایل سده سوم هجری دانسته اند (Hawting, 1999. P. 11, 13, 55-58). اما نتایج پژوهش های خط شناختی، مصحف نگاشتی و نیز آزمایش های کربن ۱۴ بر روی برخی از مصاحف کهن، اندیشه این خاورشناسان تجدیدنظرطلب را با چالش جدی روبرو ساخت. با این حال، هنوز هم درباره تاریخ گذاری های اخیر پرسش های مهمی مطرح است. دو پرسشی که این مقاله درصدد پاسخ گویی به آن ها است عبارت اند از اینکه: با توجه به نتایج به کارگیری روش های معتبر تاریخ گذاری نسخه های کهن می توان نگارش نسخه ای از مصاحف کهن موجود را به دوره حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داد؟ و اگر نه، آیا می توان گفت کهن ترین مصاحف قرآنی از روی صحیفه هایی که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله توسط کاتبان وحی نوشته شده است، نسخه برداری شده اند؟

۲- پیشینه تحقیق

گزارش های مربوط به نگارش قرآن در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب های «علوم قرآن» و «تاریخ قرآن» ثبت شده است. کتاب هایی مانند: کتاب المصاحف از «ابوبکر بن ابی داود سجستانی» (۲۳۰-۳۱۶ق) و المقنع فی رسم مصاحف الأمصار از «عثمان بن سعید دانی» (۳۷۱-۴۴۴ق) گزارش های مفصلی از مصاحف صحابه و رسم الخط آن ها ارائه کرده اند. این آثار برای بررسی قدمت رسم الخط مصاحف کشف شده در زمان معاصر بسیار ارزشمندند. در دوره معاصر، کتاب رسم المصحف و مقالة موازنة بین رسم المصحف و النقوش العربیة القديمة از «غانم قدوری» به شناخت رسم مصاحف اولیه و ارتباط آن ها با نقوش قدیمی عربی پرداخته اند. فرانسوا دروش، خاورشناس فرانسوی و متخصص نسخه شناسی، در مقاله ای در دایرة المعارف قرآن لیدن به بررسی نسخه های خطی قرآن پیش از مصحف عثمانی و ویژگی های مصاحف حجاز پرداخته است. او در کتاب قرآن های عصر اموی به تاریخ گذاری کهن ترین مصاحف پرداخته و احتمال داده است برخی قطعات قرآنی به دهه مابین قتل عثمان در سال ۳۵ هجری - یا حتی قبل تر از آن - و آغاز حکومت امویان بازگردد. کتاب مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن اثر «بهنام صادقی» و «محسن گودرزی» نیز از منابع مهم در حوزه تاریخ متن قرآن کریم است. این پژوهش تحول اساسی در تاریخ قرآن ایجاد کرد و نظریات تجدیدنظرطلبانی مانند جان ونزبرو، که قرآن را محصول پایان سده دوم هجری می دانستند، به چالش کشید و مهر ابطال بر آن زد. «مرتضی کریمی نیا» در کتاب مصحف المشهد الرضوی: تاریخ و خصائصه، این



مصحف را کامل‌ترین مصحف کهن و متعلق به سده نخست هجری دانسته است. اصل این مصحف در دو بخش با شماره‌های ۱۸ و ۴۱۱۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. در زمینه تاریخ‌گذاری مصاحف کهن با استفاده از آزمایش کربن ۱۴، مقاله‌ای توسط «آلاء وحیدنیا» در مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی منتشر شده است. این مقاله به بیان کارکرد آزمایش کربن ۱۴ و نقاط ضعف و قوت آن در تاریخ‌گذاری مصاحف کهن پرداخته است. آقای مارین فان پاتن (Marijn Van Putten)، استاد دانشگاه لایدن هلند در مقاله‌ای که در سال ۲۰۲۲ میلادی با عنوان «نعمت خدا به‌عنوان شاهدی بر کهن‌الگوی مکتوب عثمانی: اهمیت ویژگی‌های املائی مشترک» منتشر ساخته، به این نتیجه رسیده است که املائی خاص کلمات خاص که با املائی یکسانی در تمام نسخه‌های خطی اولیه قرآن بازتولید شده‌اند، تنها با این فرض سازگار است که تمام اسنادی که متعلق به نوع متن عثمانی هستند به یک کهن‌الگوی نوشتاری واحد برمی‌گردند و املائی آن دقیقاً از یک نسخه به نسخه بعدی کپی شده است؛ که نشان می‌دهد این نسخه‌ها بر اساس یک نمونه نوشتاری بوده‌اند.

مقاله پیش‌رو، با استناد به برخی منابع تاریخی، نقوش قدیمی عربی و مصاحف کهن، به دنبال پاسخ این پرسش است که پژوهش‌های موجود تا چه حد توانسته‌اند تاریخ «قرآن مکتوب» را به زمان پیامبر ﷺ نزدیک‌تر کنند و انتساب مصحف موجود را به پیامبر ﷺ اثبات نمایند.

۳- تاریخ‌گذاری نسخه‌های کهن قرآن

از نیمه سده نوزدهم، نسخه‌های کهن قرآن به موضوع جدی پژوهش‌های علمی مبدل شد. پیش از آن در اواخر سده هجدهم یوهان گئورگ کریستن آدلر (Jacob Georg Christian Adler) (۱۷۵۶-۱۸۳۴م)، به بررسی چند نسخه خطی قرآنی کتابخانه سلطنتی کپنهاگ پرداخته و بدین نتیجه رسیده بود که از بررسی این مخطوطات چندان نکته‌ای به دست نخواهد آمد (دروش، ۱۳۹۴، ص ۱۱). به‌رغم آنکه گوتهلز برگسترسر (Gotthelf Bergsträsser) (۱۸۸۶-۱۹۳۳م) و اوتو پرتسل (Otto Pretzel) (۱۸۹۳-۱۹۴۱م) به گردآوری تصاویر قرآنی از سراسر جهان دست زدند، اما تلاش آنان چندان دستاورد مهمی به بار نیاورد و پژوهش در این حوزه گویی تا نیم قرن به بن‌بستی تقریباً مطلق خورده بود. با طرح دیدگاه‌های سنت‌شکنانه جان ونزبرو (John Wansbrough) (۱۹۲۸-۲۰۰۲م) در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در باب تاریخ تدوین قرآن، بحث در این باره مجدداً رونق گرفت و به شور و اشتیاقی جدی‌تر برای یافتن هرگونه سند و مدرک از وجود متن قرآن پیش از آغاز سده سوم انجامید (دروش، ۱۳۹۴، ص ۱۳). محمدعلی امیرمعزی در مقاله «یک متن و تاریخی رمزآلود» معتقد است نسخه‌های بسیار قدیمی متعلق به دوره قبل از عباسی بسیار نادرند (امیرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۳۷). اما با کشف مصاحف کهن در سال‌های اخیر و با بررسی‌های دقیق پالئوگرافیک و کادیکولوژیک و نیز انجام آزمایش‌های کربن ۱۴ که روی آن‌ها صورت گرفته، این دیدگاه به چالش کشیده شده است؛ چنان‌که فرانسوا دروش عقیده دارد با تلفیق روش‌ها و ابزارهای مختلف در



تاریخ گذاری مصاحف می توان تاریخ نگارش برخی مصاحف را در دوره بنی امیه دانست. حتی برخی از این مخطوطات را شاید بتوان متعلق به دوران پیش از بنی امیه هم دانست (دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۱). در هر صورت، می توان این پرسش را مطرح کرد که با بررسی های جدید و استفاده از روش های نوین، آیا ممکن است کتابت برخی از این مصاحف در زمان حیات پیامبر ﷺ انجام شده باشد. در میان کهن ترین آثار قرآنی که به جای مانده است، مصحف صنعاء ۱ و مصحف مشهد رضوی از اهمیت بالاتری برخوردارند؛ از این رو، شایسته بررسی و دقت بیشتری است. مصحف صنعاء ۱، حاوی ۸۱ برگ (۱۶۲ صفحه) دو لایه و به اصطلاح یک پالمپسیست (Palimpsest) است.^۱ لایه رویی این مصحف حاوی آیات ۴۵ سوره بلند و متوسط قرآن^۲، و لایه زیرین حاوی آیاتی از ۲۷ سوره قرآن است.^۳ ترتیب سوره ها در نسخه زیرین متفاوت با ترتیب سوره ها در مصحف عثمانی است. همچنین در لایه زیرین گاهی روایت غیرعثمانی از متن قرآن و اختلاف قرائات منسوب به صحابه وجود دارد. صادقی و گودرزی در مقاله خود، متن لایه زیرین مصحف صنعاء ۱ را به دقت خوانده و آن را تصحیح کرده اند (ر.ک: صادقی و گودرزی، ۱۴۰۰، ص ۱۵-۲۰). به نظر آن ها، متن زیرین مربوط به نیمه نخست سده اول هجری است و در حال حاضر مهمترین سند موجود در زمینه تاریخ قرآن است (همان، ص ۴۷). مصحف مشهد رضوی، حاوی ۲۵۲ پوست برگ، کامل ترین قرآن از میان کهن ترین مصاحف حال حاضر جهان است که بیش از ۹۵٪ قرآن را داراست. بنا به گفته کریمی نیا، مجموع ویژگی های این مصحف در کمتر نسخه ای از قرآن های کهن یافت می شود و به احتمال زیاد در حجاز کتابت شده و بعداً به عراق و سپس به خراسان انتقال یافته و در اختیار مُقریان نیشابور بوده و در اواخر سده پنجم هجری وقف حرم مطهر رضوی شده است. متن اصلی این مصحف به روایت رسمی و متداول عثمانی است، اما ترتیب سوره ها به ترتیب مصحف ابن مسعود بوده که در دوره های بعدی تصحیح شده است. تنها در هفت مورد، آیات انتهایی یک سوره و آیات ابتدایی سوره بعد دست نخورده باقی مانده است و آن در مواردی است که ترتیب سوره ها در مصحف ابن مسعود نیز مانند مصحف عثمانی بوده است (ر.ک: کریمی نیا، ۱۴۰۱، ص ۲-۵ و ۱۶).

۱. یعنی مخطوطی پوستی با دو لایه زیرین و رویی؛ لایه زیرین را پاک کرده و مجدداً بر روی آن نوشته اند. این گونه استفاده مجدد از پوست نوشته ها امری رایج بوده است. در مصحف صنعاء ۱ نیز مانند برخی دیگر پالمپسیست ها، با گذشت زمان، باقی مانده جوهر نوشته پاک شده دست خوش فعل و انفعالات شیمیایی شده، و موجب تغییر رنگ و از این رو، پیدایش دوباره نوشته زیرین به رنگ قهوه ای یا خاکستری کم رنگ شده است. تغییر رنگ در مُرکبِ حاوی عناصر فلزی، امری طبیعی است. فلزات واسطه موجود در جوهر همچون آهن، مس و روی عامل ایجاد خوردگی و تغییر رنگ آن اند. این سه عنصر در جوهر هردو لایه مصحف صنعاء ۱ وجود دارد.

۲. این سوره ها عبارت اند از: بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس، هود، یوسف، ابراهیم، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، فرقان، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، احزاب، سبأ، فاطر، صافات، ص، زمر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، محمد، فتح، الرحمن، واقعه، حدید، مجادله، حشر و ممتحنه. برخی از این سوره ها حاوی شمار بسیار اندکی از آیاتش است.

۳. این سوره ها به ترتیب عبارت اند از: بقره، مائده، منافقون، جمعه، فجر، بلد، انفال، فاطر، هود، توبه، حج، احزاب، نور، نحل، طه، قصص، حجر، فرقان، مریم، روم، زمر، صافات، انبیاء، یوسف، کهف، سبأ، رعد.

پژوهشگرانی که روی این کهن نسخه‌ها کار کرده‌اند آن‌ها را مربوط به سده نخست هجری دانسته‌اند. با این حال، برخی نیز این انتساب را قطعی ندانسته‌اند. تا پیش از اکتشافات اخیر و معرفی نسخه‌های پیش گفته از قرآن، ادعاها و انگاره‌های گوناگونی در مورد برخی از نسخه‌های قرآن که در کتابخانه‌ها یا موزه‌ها یا مساجد قدیمی نگهداری می‌شد، وجود داشت. در مورد برخی نسخه‌ها گفته می‌شد که به خط امام علی علیه السلام یا به خط برخی دیگر از امامان شیعه است. همچنین در مورد نسخه‌ای از قرآن ادعا شده که نسخه شخصی عثمان است و حتی گفته شده هنگامی که عثمان کشته شد در حال قرائت قرآن بوده و خون وی نیز بر این نسخه ریخته شده و اثر این خون هنوز نیز باقی است! (رک: منجد، ۱۹۷۹م، ص ۴۲-۹۶) اما اینکه این انگاره‌ها تا چه اندازه با واقعیت انطباق دارند، امری است که باید در مورد آن بررسی دقیق‌تر صورت گیرد تا از دل انگاره‌های مختلف به آنچه که به واقعیت نزدیک است دست یافت.

۳-۱- روش‌های تاریخ‌گذاری مصاحف کهن قرآنی

برای کشف قدمت یک نسخه قرآنی راه‌های مختلفی وجود دارد. یک راه این است که نام و امضای کاتب آن نسخه همراه با تاریخ نگارش، در آغاز یا پایان آن نسخه آمده باشد که چنین نسخه‌ای را در اصطلاح «نسخه با انجامه» گویند. راه دیگر، بررسی ویژگی‌های خط‌شناختی یا پالئوگرافیک^۱ (paleographic) و مصحف‌نگاشتی^۲ (codicology) است. در طول تاریخ از خطوط مختلف برای نگارش قرآن استفاده شده است. چنانچه خطی با شناسه‌هایی که دارد مربوط به سده چهارم هجری باشد، نسخه‌ای را که با آن خط نوشته شده نمی‌توان به سده‌های نخست، دوم و سوم نسبت داد. همچنین علائم و نشانه‌های مختلفی در مصاحف به کار گرفته شده است که هریک از آن‌ها مربوط به زمان خاصی است. همچنین تذهیب و کارهای هنری که احیاناً روی برخی مصاحف صورت گرفته است می‌تواند نشانگر تاریخ تقریبی آن‌ها باشد. راه دیگر، استفاده از آزمایش کربن ۱۴ بر روی پوست یا کاغذ مورد استفاده در نگارش مصاحف است. گاهی هم با تلفیق روش‌ها و ابزارهای مختلف می‌توان به تاریخ مطمئن‌تری از نگارش برخی از مصاحف دست یافت.

۳-۱-۱- تاریخ‌گذاری بر پایه انجامه

تا امروز هیچ نسخه‌ای که بتوان به‌طور قطع متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از صحابه ایشان دانست، یافت نشده است. به‌رغم آنکه درباره ابی‌بن‌کعب، اولین کاتب قرآن در مدینه، گفته شده که او نخستین کسی بوده که در پایان نوشته‌هایش می‌نوشت «و کَتَبَ فلان» (ابن‌عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۶۸)، اما هیچ نسخه‌ای از قرآن به خط وی برجای نمانده است. علاوه بر این، تاکنون هیچ مصحفی با انجامه اصیل و دال بر سده نخست یا دوم هجری یافت نشده است. مصاحف با انجامه مربوط به سده سوم هجری نیز بسیار کمیاب است و از

۱. پالئوگرافی به مطالعه دست‌نوشته‌های گذشته و اغلب نسخه‌های خطی، به‌منظور تاریخ‌گذاری، خواندن و تفسیر آن‌ها به‌عنوان منابع تاریخی گفته می‌شود. همچنین این واژه را بر خود نسخه‌های خطی هم اطلاق می‌کنند.

۲. نسخه‌شناسی به علم بررسی کتاب‌ها به‌عنوان اشیاء فیزیکی، به‌ویژه نسخه‌های خطی دست‌نوشته روی پوست یا کاغذ یا اسناد گفته می‌شود که اغلب به «باستان‌شناسی کتاب» همانند می‌شود.



سده چهارم به بعد شمار مصاحف با انجامه رو به فزونی می نهد (مهدوی راد و سهرابی، ۱۴۰۱، ص ۴۸۸). به نظر فرانسوا دروش «به استثنای برخی انجامه های جعلی، هیچ شاهد مستقیم با انجامه روشن و صحیح تا سده سوم در اختیار ما باقی نمانده است، احتمالاً از آن رو که برگه های آغاز و پایان هر مخطوط که مکان ذکر اطلاعات مربوط به نسخه است، در معرض بیشترین فرسایش بوده و زودتر از بخش های دیگر از بین رفته اند» (دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۰). به گزارش آدلف گروهمن (Adolf Grohmann) (۱۸۷۷-۱۹۷۷م)، نسخه های تاریخ دار بیشتر بعد از سده سوم مشاهده می شوند. گروهمن مهمترین مشکل تاریخ گذاری نسخه های کهن را این می داند که نسخه هایی که مشخصاً تاریخ گذاری شده باشد و بتواند مبنایی در تاریخ گذاری سایر نسخه ها قرار گیرد، بسیار اندک است. به نظر وی، تنها یک نسخه تاریخ دار از سده اول در ایران و دو نسخه از سده دوم و هفت نسخه از سده سوم وجود دارد. البته بنا به نظر کراچکوفسکی (Krachkovsky) (۱۸۸۳-۱۹۵۱م) باید قرآن سمرقند را هم متعلق به سده نخست هجری دانست (نیل ساز، ۱۳۹۳، ص ۱۲۸). البته یک نسخه شامل جزء سی ام از قرآن کریم و با خط کوفی متأخر و مشرقی در موزه آستانه قم وجود دارد که در آغاز آن تاریخ ۱۹۸ هجری درج شده است. کریمی نیا به این نتیجه رسیده که با لحاظ تمام ویژگی هایی که این نسخه از نظر خط شناختی و قرائات داراست می توان آن را متعلق به پایان سده پنجم دانست (کریمی نیا، ۱۳۹۷، ص ۸۸). واقعیت این است که بسیاری از مصاحف کهن با گذشت زمان و بر اثر عواملی چون استفاده مکرر در تلاوت و ختم قرآن دچار فرسودگی شده یا با تقسیم میان وارثان تبدیل به چند برگ محدود شده اند. مصاحفی که تقریباً کامل هستند نیز غالباً فاقد برگ پایانی هستند و از این رو، بدون انجامه اند. آن دسته از مصاحف که دارای برگ پایانی نیز هستند یا فاقد انجامه اند یا صحت انجامه شان با ارائه مستندات انکار شده است (ر.ک: منجد، ۱۹۷۹م، ص ۵۰-۶۰ و ۶۴-۷۶).

۳-۱-۲- تاریخ گذاری بر پایه انتسابات ادعا شده به صحابه و امامان شیعه

نسخه های فراوانی به امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان یا به برخی از صحابه به ویژه عثمان بن عفان نسبت داده شده است. به عنوان مثال، مصحف شماره یک آستان قدس رضوی منسوب به حضرت علی علیه السلام است که در سال ۱۰۰۹ هجری توسط شاه عباس وقف حرم مطهر رضوی شده و وقف نامه آن توسط شیخ بهایی در برگ اول نسخه، نوشته شده است. در پایان این نسخه آمده است: کَتَبَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. اما پژوهش های خط شناختی آن را متعلق به سده سوم هجری دانسته اند (قیدر و توکلی، ۱۴۰۱، ص ۵۰). شمار موارد اختلاف متن این مصحف با رسم المصحف که ابوداود سلیمان بن نجاح (م ۴۹۶ق) و ابو عمرو دانی (م ۴۴۴ق) گزارش کرده اند نزدیک به ۲۰۰۰ مورد می رسد (همان، ص ۴۹). همچنین مصحف مشهد رضوی، با آنکه در وقف نامه آغازین این نسخه و نیز در لابه لای برخی سطور آن، کتابت آن به امام علی علیه السلام نسبت داده شده، اما این انتساب و سایر موارد مشابه به دلایل مختلف قطعی دانسته نشده است. یکی از مهمترین دلایل بر نادرست بودن این انتساب، وجود سهو و خطاهای کاتب در چنین نسخه ها و از جمله در مصحف مشهد رضوی است که مانع از پذیرش نسبت کتابت به امام معصوم می شود (کریمی نیا، ۱۴۰۱، ص ۵).

همچنین چند نسخه خطی امروزه در اختیار است که ادعا می‌شود نسخه شخصی عثمان است. همچنین نسخه‌های خطی دیگری به امام علی علیه السلام یا فرزندش امام حسین علیه السلام نسبت داده شده است. صلاح الدین مَنجِد فصلی از کتاب خود را به این امر اختصاص داده و بدین نتیجه رسیده است که این نسخه‌ها در عین کهن بودن‌شان، هیچ ارتباطی با عثمان یا دیگر افراد یادشده ندارند. مَنجِد تلاش کرده با توجه به متأخر بودن مواد به‌کاررفته که عمدتاً مربوط به سده سوم هجری است، این انتسابات را رد کند (ر.ک: مَنجِد، ۱۹۷۹م، ص ۴۲-۷۱). طیار آلتی قولاً، نسخه‌شناس اهل ترکیه اخیراً چاپ فاکسیمیل از سه نسخه قرآن منتشر کرده، که اولی در کتابخانه توپکاپی سارای (Topkap Saray) استانبول، دومی در موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول و سومی در قاهره نگهداری می‌شوند. وی نیز با استفاده از اطلاعات موجود در رسائل و کتب مربوط به رسم عثمانی، چنین نتیجه گرفته است که این سه نسخه نمی‌توانند نسخه‌های عثمان باشند، گو اینکه نام عثمان در انجامه یا ترقیم پایانی نسخه موجود در موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول آمده - که صد البته یک امضای جعلی و ملحق - است. در واقع پرسش از سرنوشت مصحف شخصی عثمان را مالک بن انس در روزگار بسیار قدیم - چون مورد سؤال قرار گرفت - صریحاً با اذعان به نابودی آن پاسخ داده است (دروش، ۱۳۹۴، ص ۱۵). کریمی نیا می‌گوید: «طبق شمارش من تاکنون نزدیک به صد نسخه در سراسر دنیا یافت شده است که به یکی از امامان شیعه منسوب هستند؛ در حالی که در میان آن‌ها خطوطی به سبک‌های آفریقایی تا کوفی پیراموز (ایرانی-هراتی؛ نوعی کوفی بسیار متأخر)^۱ و از سده دوم تا پنجم یافت می‌شود. معمولاً عدم شناخت مردم از تاریخ تطور خط عربی باعث می‌شده است که این ادعاها جدی گرفته شود (کریمی نیا، ۱۳۹۶ش، ص ۳).

دروش نیز اغلب این انتسابات را که در سده ششم هجری مشهور شده مبتنی بر یادداشتی نوشته‌شده در دوره‌ای متأخر دانسته است که گاهی ظاهراً یک پایان‌نوشت نیز در تأیید این ادعا وجود دارد. علاوه بر این، پایان‌نوشت‌های یادشده گاه دارای اشتباهات فاحش‌اند؛ مانند نسخه TKS Y، ۷۴۵ در موزه توپکاپی سارای که گمان می‌شود کاتب آن امام علی علیه السلام بوده و نامش در سمت راست متن نوشته شده است (نیل‌ساز، ۱۳۹۶، ص ۴۸). به گفته رامیار بعد از دوره عثمان، به‌ویژه در سده چهارم هجری به علت مسابقه در داشتن مصاحف عثمانی، نسخه‌های فراوانی به عثمان نسبت داده شد (رامیار، ۱۳۶۲، ص ۴۶۶).

۳-۱-۳- تاریخ‌گذاری بر پایه نشانگرهای خط‌شناختی

منظور از نشانگرهای خط‌شناختی اعم از نشانگرهایی است که مربوط به نوع خط مانند: کوفی یا حجازی (مایل) و یا مربوط به قواعد نگارش، املاء و رسم‌الخط است. گذر زمان در تغییر رسم‌الخط از نقص به کمال

۱. در گستره تمدن اسلامی و حتی در دست‌نویس‌ها از خط کوفی انشعاب‌های زیادی گرفته است. در این میان، گونه‌ای از قلم‌نوشتری در همان سده‌های نخستین اسلامی در ایران‌زمین به وجود آمد که به کوفی فیرآموز یا پیرآموز یا کوفی ایرانی (یا شرقی و یکی از زیرمجموعه‌های آن؛ قرمطی) مرسوم گردید. گرچه این قلم از خط کوفی ساده گرفته شده، اما دارای ویژگی‌های منحصر به فردی در شکل و ریخت حروف نسبت به نمونه پیشین (کوفی ساده) و همچنین مشابهت‌هایی با نمونه‌های پسین‌تر (اقالم سته) است (فرید و مرادی سیرچی، ۱۴۰۲، ص ۱۹).

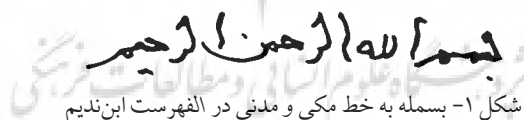


نقش قابل توجهی داشته و از این رو، شناسایی نوع رسم الخط مصاحف کهن در تاریخ گذاری آنها اثرگذار است. یادآور می شود علم رسم المصحف علمی است که درباره شیوه کتابت مصاحف قرآنی به دست صحابه - و به طور خاص در زمان عثمان - سخن می گوید (قدوری، ۱۹۸۶م، ص ۳).

۳-۱-۳- تاریخ گذاری بر پایه نوع خط

خط شناسی در شناسایی تاریخ نگارش نسخه های کهن بدون انجامه نقش مهمی دارد. یکی از روش های علمی که پژوهشگران و کتیبه شناسان در تعیین تاریخ تقریبی نسخه های قرآنی از آنها مدد جستند، بررسی سیر تحولات خط عربی از سادگی تا کمال است (دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۹). شناخت صحیح از خطوط مصاحف می تواند در تعیین زمان و مکان نگارش آنها نقشی بسزا ایفا کند. چه بسا مصاحفی که دارای انجامه های جعلی هستند یا به یکی از صحابه منتسب شده، اما نشانگرهای خط شناختی، آن ادعاها را تکذیب کرده است. به طور مثال، مطالعات خط شناختی در مورد مصحف شماره یک آستان قدس رضوی که منسوب به حضرت علی علیه السلام است نشان می دهد خط این مصحف با خطی که فرانسوا دروش آن را II.B نام گذاری کرده است، مطابقت بسیاری دارد. بر اساس مطالعات دروش این خط به اوایل سده سوم هجری تعلق دارد (قیدر و توکلی، ۱۴۰۱، ص ۵۰).

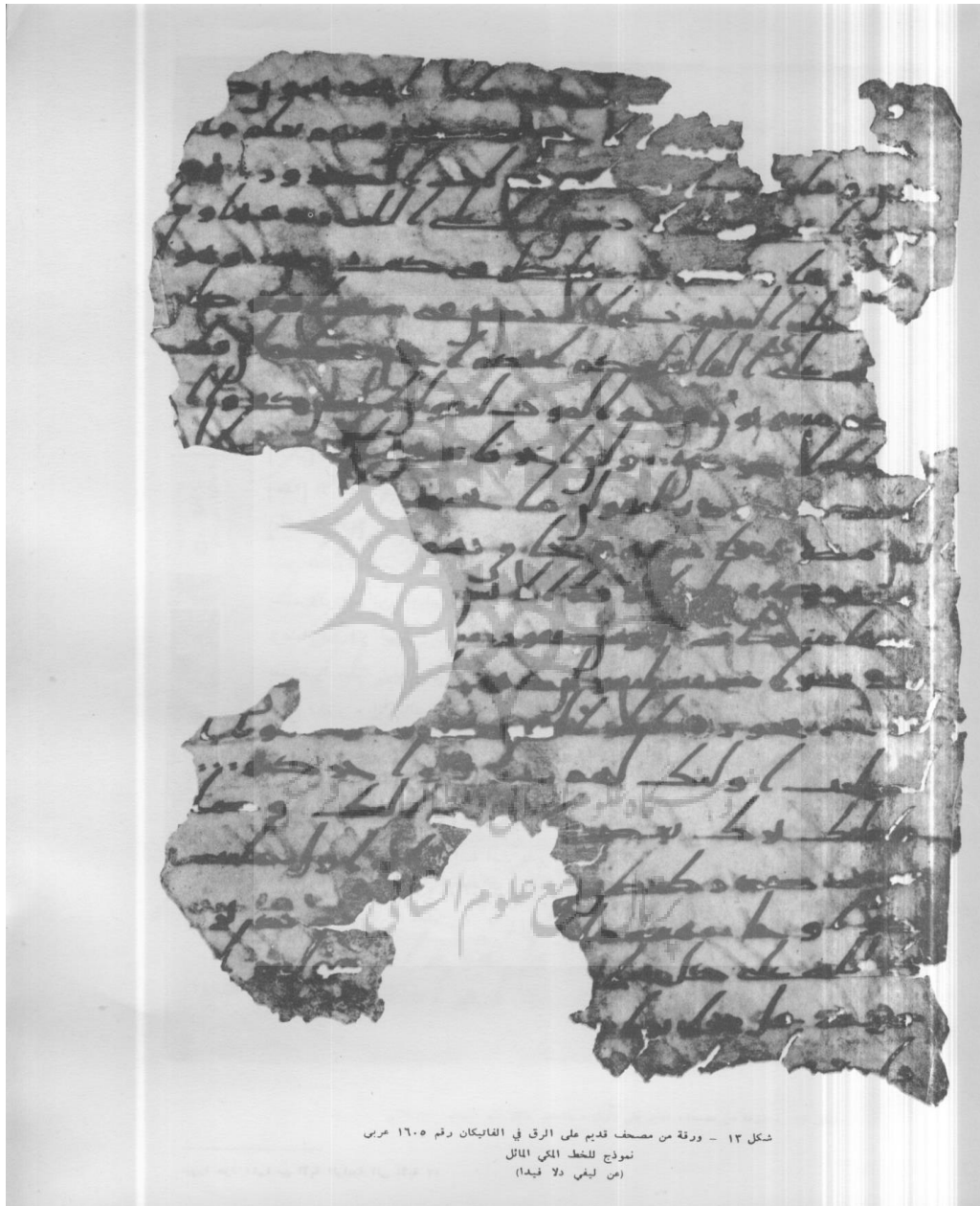
مصاحف کهن نوعاً با دو خط موسوم به حجازی (مایل) و کوفی کتابت شده اند. هر یک از این دو خط در زمان و مکان های معینی رواج داشته اند. ابن ندیم (م ۳۸۰ق) در کتاب الفهرست می نویسد: «نخستین خط عربی، خط مکی و سپس مدنی و پس از آن، خط بصری و سپس خط کوفی است. در خط مکی و مدنی در الف هایش کجی به سمت راست دست و بالای انگشتان، و در شکل آن کمی خوابیدگی وجود دارد. وی سپس شکل نوشتن بسمله را با خط مکی و مدنی به شکل زیر نشان داده است» (ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۱۶).



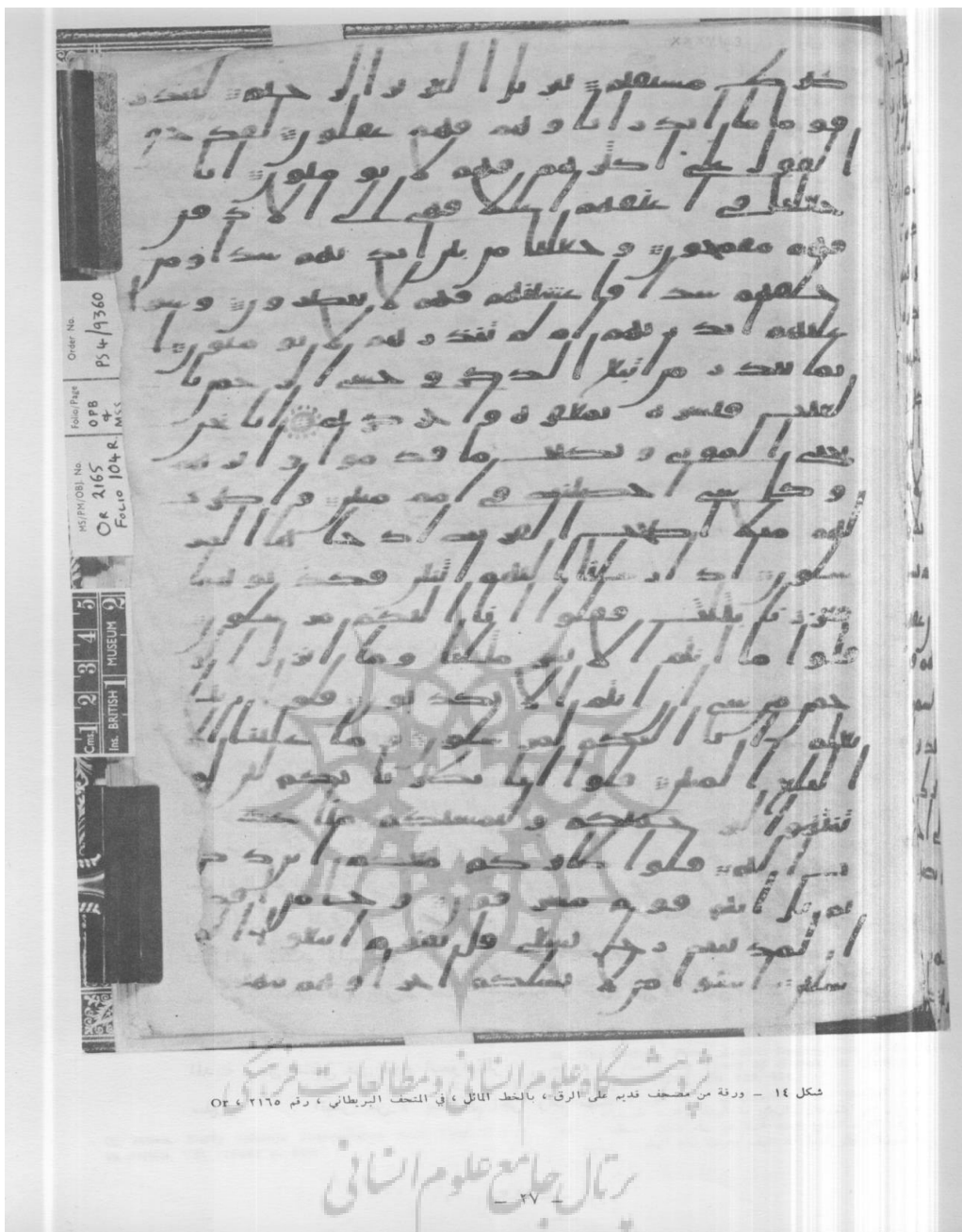
شکل ۱- بسمله به خط مکی و مدنی در الفهرست ابن ندیم

به نظر دروش «برای پژوهش در خطوط مختلف نسخه ها، می توان توصیف ابن ندیم راجع به خط مکی را نقطه شروع خوبی دانست» (دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۱). در سال های اخیر از این خط به عنوان «خط مایل»، «خط حجازی»، «خط مایل حجازی» و «خط مایل مکی» نام برده شده است. اصطلاح خط حجازی را میکله آماری (Michele Amari) (۱۸۰۶-۱۸۸۹م) در نیمه سده نوزدهم بر اساس سخن ابن ندیم - که در بالا بدان اشاره شد - به کار برده است (نیل ساز، ۱۳۹۳، ص ۴۹). بسیاری از کهن ترین پوست نوشته های قرآنی، از جمله قرآن بیر منگام، مصحف صنعاء ۱ و مصحف مشهد رضوی به این خط به نگارش درآمده است. منجد در توضیح این خط که آن را «خط مکی مایل» خوانده، دو تصویر از مصاحف کهن آورده است؛ یکی، پوست نوشته ای حاوی آیات ۴ تا ۱۳ سوره هود از مصحف شماره ۱۶۰۵ در کتابخانه واتیکان، و دیگری

پوست‌نوشته‌ای از نسخه خطی قرآن به شماره ۲۱۶۵ در کتابخانه لندن که قدیمی‌ترین مخطوط این کتابخانه نیز هست، مشتمل بر آیات ۴ تا ۱۵ سورة یس. این نسخه که کامل هم نیست، مشتمل بر ۱۱۲ صفحه است که در عصر اموی نوشته شده و شروع آن با سورة اعراف است. گرچه هردو نسخه مربوط به عصر اموی است اما نسخه اول قدیمی‌تر از نسخه دوم است. نسخه دوم مربوط به بخش پایانی عصر اموی است. در هردو نسخه، الف‌های مایل و خوابیدگی خط کاملاً آشکار است (ر.ک: منجد، ۱۹۷۹م، ص ۲۴-۲۸).



شکل ۱۳ - ورقة من مصحف قدیم علی الرق فی الفاتیکان رقم ۱۶۰۵ هریس
نمودار للخط المائل
(من لیفی دلا فیداً)



شکل ۱۴ - ورقه من مصحف قدیم علی الرقی، بالخط المائل، فی المتحف البريطاني، رقم Or 2165

رتال جامع علوم انسانی

به رغم نام گذاری این خط به خط حجازی، برخی از پژوهشگران خاستگاه این خط را شام، و نه حجاز دانسته و معتقدند که این خط پس از انتقال به برخی دیگر از سرزمین ها و پیش از پایان سده نخست هجری رو به افول نهاده است (ر.ک: مهدوی راد و سهرابی، ۱۴۰۱، ص ۴۸۷-۵۰۴). آن ها برای اثبات سخن خود ادله ای آورده اند که می توان آن را در دو دلیل عمده خلاصه کرد: دلیل نخست آنکه، همه مصاحفی که با خط مایل نوشته شده، با قرائات شامی هماهنگ است. مصحف ناقص شماره ۱۱۶۵ کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان که به خط مایل نگارش یافته، از ۴۴ اختلاف مصاحف شهرها ۱۴ مورد در آن یافت می شود که ۱۱

مورد منطبق با مصاحف شام است. نام ابراهیم در برخی جاها با توجه به گویش شامیان و به صورت «ابرهیم» کتابت شده که با روایت هشام بن عمار از قرائت ابن عامر شامی همخوانی دارد. نام «داود» در همه موارد به صورت «داود» نگاشته شده که آن هم احتمالاً گویشی شامی است. در مصحف ناقص لندن نیز همین گونه است، نام «ابراهیم» در برخی فرازها به صورت «ابرهیم» و داود در آیه ۷۸ سوره انبیاء به صورت «داود» نوشته شده است. در مصحف ناقص پاریس هم ابراهیم و داود به صورت «ابرهیم» و «داود» نگارش یافته است (همان، ص ۴۹۴). همچنین مصحف ناقص ۱۸ب از مجموعه مارسل در کتابخانه سن پترزبورگ، و نیز چند برگ پوست نوشته کتابخانه دانشگاه بیرمنگام به شماره ۱۵۷۲ به رسم شامی نوشته شده است (همان، ص ۴۹۶). دلیل دوم آنکه، در میان دهها سنگ نوشته پیرامون دو شهر مکه و مدینه - که شمار قابل توجهی از آن‌ها دارای تاریخ نیز هستند - هیچ نشانی از الف‌های مایل و خوابیدگی خط یافت نمی‌شود. این سنگ نوشته‌ها در دو کتاب با عناوین کتابات اسلامیة من مكة المكرمة و کتابات اسلامیة غیر منشورة من رواة المدينة المنورة منتشر شده‌اند. بدین ترتیب مراجعه به اسناد تاریخی (مصاحف کهن، پاپیروس‌ها و سنگ نوشته‌ها)، نشان می‌دهد که خاستگاه سبک مایل شام است و نه حجاز و بهتر است «خط شامی» خوانده شود و نه «خط حجازی» (ر.ک: همان، ص ۴۹۵-۴۹۶). همچنین بر اساس مراجعه به اسناد، می‌توان گستره سبک مایل را شام و سپس مصر و احتمالاً برخی بخش‌های مغرب اسلامی در شمال آفریقا دانست، اما رواج داشتنش در حجاز و بنا بر گزارش ابن ندیم مورد تردید جدی است (همان، ۱۴۰۱، ص ۴۹۸). البته دروش هم که این خط را خط مایل حجازی خوانده، تصریح کرده است که نام خط‌ها و جایگاه فعلی مصاحف نشان‌دهنده خاستگاه آن‌ها نیست. او می‌نویسد: «نام این خط، یعنی حجازی (مانند وصف «کوفی») بدین معنا نیست که این نسخه‌ها در حجاز نگاشته شده‌اند. جایگاه فعلی این مصاحف - که عمدتاً برخاسته از سه مرکز مهم یعنی دمشق، فسطاط و صنعاست - را هم نمی‌توان شاهدی قاطع بر خاستگاه آن‌ها که تاکنون مورد تردید باقی مانده است تلقی کرد» (نیل‌ساز، ۱۳۹۶، ص ۴۹). اما باید گفت برخلاف نظر پژوهشگران یادشده که نسخه‌های با خط مایل را دارای خاستگاه شامی دانسته و هماهنگی این نسخه‌ها با قرائات شامی را دلیل بر مدعای خود گرفته‌اند، نسخه مشهد رضوی که کامل‌ترین نسخه قدیمی قرآن کریم است، با قرائت مدینه هماهنگی دارد. با بررسی مواضع حدوداً ۴۰ گانه از اختلاف مصاحف الأمصار، مصحف رضوی از ویژگی‌های خاص مناطق شام، کوفه و بصره دور، و به ویژگی‌های خاص مصاحف مدینه و مکه بسیار نزدیک است. این بررسی مشخص می‌کند که مصحف رضوی عموماً مطابق با قرائت مصاحف مدینه است، به جز در دو موضع (توبه: ۱۰۰؛ کهف: ۹۵) که با مصاحف مکه، و در یک موضع (زمر: ۶۴) که با مصاحف شام مطابقت دارد (کریمی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۴).

۳-۱-۲- تشابه خط مصاحف کهن قرآنی با نقش‌های قدیم عربی

آنچه از مشاهده نقوش قدیم عربی و مقایسه آن با مصاحف کهن به دست می‌آید این است که مصاحف قدیم از نظر رسم الخط همان ویژگی‌هایی را داراست که نقوش قدیم عربی داشته‌اند. در ذیل به برخی اشاره می‌شود.

یک- نقوش قدیم عربی (جاهلی و اسلامی) در فقدان علامت‌های حرکات سه‌گانه یعنی فتحه، ضمه، کسره و دیگر نشانه‌ها متمایز هستند، همچنان که مصاحف اولیه نیز از این‌گونه علامات خالی بوده‌اند. خط عربی این ویژگی را از منبع اصلی خود یعنی خط نبطی به ارث برده است (ر.ک: جبوری، ۱۹۷۷م، ص ۱۴۷؛ ولفنسون، ۱۹۲۹م، ص ۳۲۱).

دو- خط قدیم عربی از نقطه‌های إعجामी تهی بوده است و از این رو، تمام نقوش عربی که به پیش از اسلام مربوط می‌شود از نقطه‌های إعجामी خالی است (نامی، ۱۹۳۵م، ص ۱۰ و ۸۷). مصاحف کهن نیز نوعاً از این نقطه‌ها خالی هستند. البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد برخی معتقدند خط عربی از قدیم دارای نقطه بوده و مصاحف عثمانی برای اینکه قرائت‌های مختلف را برتابد، بدون نقطه نگاشته شده است (ر.ک: ابن جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳). در هر صورت، نسخه‌های عثمانی بدون نقطه و اعراب بوده و تا چهل و اندی سال به همین صورت قرائت می‌شده، تا اینکه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان (۶۵-۸۶) و ولایت حجاج بن یوسف ثقفی بر عراق (۷۵-۹۵) توسط نصر بن عاصم (م ۹۰ق) نقطه‌گذاری شده است (قدوری، ۱۹۸۶م، ص ۵۴۰).

سه- حذف الف از وسط کلمات هم از ویژگی‌های مشترک نقوش عربی قدیم و مصاحف کهن است که این نیز از خصوصیات خط نبطی بوده است (ر.ک: نامی، ۱۹۳۵م، ص ۸۸ و ۱۰۱؛ ولفنسون، ۱۹۲۹م، ص ۱۷۸-۱۷۹).

چهار- از پدیده‌های نگارشی‌ای که رسم الخط مصحف را متمایز می‌کند، نوشتن تای مؤنث به صورت تای کشیده و هاء است؛ مثل: رحمت - رحمة، نعمت - نعمة، کلمت - كلمة. این پدیده نیز در نگارش عربی قبل از رسم الخط مصحف متداول بوده است، چنانچه در نقش شماره (مدینت = مدینة، سنّت = سنّة) و در نقش کوه اسپس و حرّان (سنّت = سنّة) آمده است (ر.ک: قدوری، ۱۹۸۶م، ص ۱۷؛ جبوری، ۱۹۷۷م، ص ۵۲-۵۳؛ نقشبندی، ۱۹۷۴م، ص ۱۲۳؛ ولفنسون، ۱۹۲۹م، ص ۱۵۱-۱۵۵).

املا یا قواعد نگارش کلمات در مصحف مشهد رضوی تمایل روشنی به سمت رسم ناقص دارد و نشان از قدمت پالئوگرافی نسخه است. این‌گونه از رسم در بسیاری از مواضع، نه مطابق با رسم املائی و قیاسی کامل شده امروزی است، و نه با «رسم المصحف» یا «رسم عثمانی» گزارش شده در آثار کهن اسلامی مطابقت دارد. مهمترین ویژگی رسم در این مصحف، حذف الف هنگام نشان دادن صدای «آ» است. برای این امر تقریباً در هر صفحه و هر آیه، نمونه‌های فراوان می‌توان یافت که درصد آن بسیار بیشتر از سایر مصاحف حجازی است (ر.ک: کریمی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۱۱-۱۳).



۳-۱-۴- تاریخ گذاری بر پایه ویژگی های مصحف نگاشتی

منظور از نشانگرهای مصحف نگاشتی، علائمی غیر از نوع خط و رسم الخطی است که در مصاحف کهن می توان یافت و زمان تقریبی کتابت آن مصاحف را نشان می دهد. از جمله این نشانگرها، علائم دال بر اجزاء و بخش های مختلف قرآن، علائم وقف و ابتدا و کتابت قرائات خاص شهرهایی است که مصاحف عثمانی برای آن ها ارسال شده است. البته باید توجه داشت که ممکن است یک نسخه در سده نخست هجری نوشته شده، اما در سده های بعد علائم خاص بر آن افزوده شده باشد. در این صورت، این نوع علائم در حقیقت بیانگر تاریخ علامت گذاری خواهند بود، نه تاریخ کتابت نسخه.

برخی از نشانگرهای موجود در مصاحف حجازی حکایت از قدمت بیشتر این مصاحف نسبت به هم نوعانشان و نیز نسبت به مصاحف با خط کوفی دارد که یکی از آن ها نشانه گذاری پایان آیات و شمارش بسمله به عنوان آیه ای مستقل است. پژوهش در برخی از مصاحف با خط مایل نشان می دهد که در این مصاحف در پایان آیات نشانه گذاری وجود دارد و بسمله به عنوان یک آیه شمرده می شود. این ویژگی را در مصحف های سده دوم نمی توان دید. در نسخه های به خط کوفی یا هیچ آیه شماری وجود ندارد، یا اگر هم هست، در آن ها بسمله آیه مستقل شمرده نمی شود. بنابراین، می توان حدس زد که این پدیده مربوط به نزاع های فقهی میانه سده دوم هجری است و از آنجا که بیشتر کاتبان از اهل سنت بوده اند، بسمله را آیه مستقل به شمار نیاورده اند. همین امر نیز دلیل بر کهنگی بیشتر نسخه های با خط مایل است (ر.ک: کریمی نیا، ۱۳۹۶، ص ۶). به نظر دروش هم تعیین هر یک از آیات، در قدیم ترین نسخه ها مسئله ای مهم است (دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۳۴). یکی دیگر از ویژگی های مصحف نگاری در مصاحف با خط مایل، و فور اختلاف قرائات و شواذ قرائات در این مصاحف است. این مصاحف از لحاظ قرائات بسیار متنوع اند و در آن ها هرگونه قرائتی از صحابه یا حتی قرائات شاذ یافت می شود. برای مثال، در لایه زیرین نسخه شماره ۱-۲۷/دار المخطوطات صنعاء به جای «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا» (بقره: ۱۸۴) آمده است: «فَإِنْ كَانَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مَرِيضًا» که مطابق با قرائت ابن مسعود است.

۳-۱-۴- وجود یا عدم وجود نقطه در مصاحف کهن

در برخی از مصاحفی که به خط مایل نوشته شده است مانند مصحف مشهد رضوی، نقطه های إعجامی وجود دارد که شاید گمانه زنی در مورد متأخر بودن این مصاحف را تقویت کند؛ زیرا معروف است که پایه گذار نقطه های إعجامی نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر بوده اند و هر دو در سال ۹۰ هجری درگذشته اند. اما باید گفت اولاً، با فرض اینکه خط عربی تا پیش از سال ۹۰ هجری فاقد نقطه إعجامی باشد، باز هم می توان این گونه مصاحف را مربوط به پایان سده نخست هجری دانست. ثانیاً، عدم نقطه در خط عربی پیش از اقدام نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر جزء مسلمات نیست؛ بلکه گفته شده نصوصی دلالت دارند بر اینکه نقطه در نسخه ها و صحیفه های اولیه قرآنی وجود داشته است، ولی کسانی که در زمان عثمان مأمور کتابت قرآن شدند، مصاحف را خالی از نقطه نوشتند تا قرائت های مختلف را پوشش دهد (ابن جزری، بی تا، ج ۱،

ص ۳۳). طبق این نظر، بعدها نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر تنها نقطه گذاری مصاحف را انجام دادند (منجد، ۱۹۷۹م، ص ۱۲۶). شاهد بر تأیید این نظر آنکه سجستانی (م ۳۱۶ق) نوشته است: «اول من نقط المصاحف یحیی بن یعمر» (سجستانی، ۲۰۰۲م، ص ۳۲۴). برخی گفته اند از این عبارت ظاهر می شود که یحیی شخصاً برخی از مصحف ها را نقطه گذاری کرده است و شاهد صحتش اینکه ابن خلکان در شرح حال ابن سیرین (م ۱۲۹ق) یادآور شده که نزد او مصحفی نقطه گذاری شده وجود داشت که یحیی بن یعمر آن را نقطه گذاری کرده بود (ابن خلکان، بی تا، ج ۶، ص ۱۷۵). گذشته از این، وجود نقطه در برخی حروف پاپیروس هراکلیئوپولیس در مصر مربوط به سال ۲۲ هجری (Donner, Fred M., 1984, PP. 181-) 208 و کتیبه زهیر به تاریخ ۲۴ هجری و سنگ نوشته سد طائف متعلق به سال ۵۸ هجری (ر.ک: قدوری، ۱۹۸۲م، ص ۵۴۷-۵۴۹)، که در هر سه از نقطه استفاده شده است نشان از آن دارد که قبل از نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر در خط عربی نقطه بوده است، گرچه از همین کتیبه های عربی هم می توان فهمید که کاتبان خودشان را متعهد به نقطه گذاری در همه موارد نمی دیده اند، بلکه به ندرت و به صورت گزینشی این کار را انجام می داده اند. برخلاف برخی از کهن نوشته های عربی پس از اسلام، نقوش عربی پیش از اسلام عاری از هرگونه نقطه است. کسانی که معتقد هستند خط عربی در اصل دارای نقطه بوده است در توجیه عدم نقطه گذاری در نقوش قدیم عربی می گویند که کاتبان به عدم تصحیف کلمات این نقوش اطمینان داشته اند. علاوه بر این، بیشتر کلمات این نقوش، اسامی اعلام است که معمولاً در آن تصحیف رخ نمی دهد. گذشته از این پاپیروس و کتیبه های نقطه دار در دوره اسلامی، نصوصی هم دلالت دارد که خط عربی در زمان رسول خدا ﷺ دارای نقطه بوده و ایشان برخی از کاتبانش را به نقطه گذاری حروف سفارش کرده است (ر.ک: خطیب بغدادی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۲۶۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۳۸، ص ۱۶۹). همچنین از پیامبر ﷺ نقل شده است که «وقتی در یاء و تاء اختلاف داشتید آن را با یاء بنویسید» (ابن اثیر، ۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۲۹۵). و نیز از ابن عباس روایت شده که: برای هر چیزی نوری است و نور کتاب (نوشته) نقطه است (قلقشندی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۷). برخی از لغویون مانند فراهیدی و ابن منظور، معنای رقم را در «کتاب مرقوم» به معنای نقطه گرفته اند. فراهیدی در کتاب العین می نویسد: الرقم یعنی نقطه گذاری، و «کتاب مرقوم» یعنی نوشته ای که حروفش نقطه گذاری شده است (فراهیدی، بی تا، ج ۵، ص ۱۵۹). ابن منظور هم آورده است: الرقم و الترقیم: تعجیم الکتاب (نقطه گذاری نوشتار) و کتاب مرقوم یعنی نوشتاری که حروف آن با نقطه گذاری واضح شده باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۴۸).

۳-۱-۵- تاریخ گذاری مصاحف کهن بر اساس آزمایش کربن ۱۴

امروزه یکی از روش های پرکاربرد در تاریخ یابی اشیای با منشأ ارگانیک، استفاده از روش رادیوکربن است. رادیوکربن یا تاریخ یابی کربن ۱۴ توسط ویلارد لیبی (Willard Libby) (۱۹۰۸-۱۹۸۰م) ارنست اندرسون (Anderson Ernest) (۱۹۲۰-۲۰۱۳م) و جیمز آرنولد (James Arnold) (۱۹۲۳-۲۰۱۲م) در سال ۱۹۴۹ میلادی در دانشگاه شیکاگو توسعه یافت (Libby, Anderson & Arnold, pp.227-228). در

این روش با اندازه‌گیری میزان مواد رادیواکتیو، روشی برای تعیین سن اشیای باستان‌شناختی با منشأ بیولوژیک تا حدود ۵۰۰۰۰ سال است. این آزمایش یکی از پرکاربردترین روش‌های تاریخ‌گذاری است و به یکی از ابزارهای اصلی کار باستان‌شناس تبدیل شده است (Taylor, 1987, pp. 169-170). ویلارد لیبی در سال ۱۹۶۰ میلادی، بابت همین آزمایش تاریخ‌یابی کربن ۱۴ جایزه نوبل شیمی دریافت کرد. تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ بر اساس ایزوتوپ رادیواکتیو کربن انجام می‌گیرد که در طول زندگی موجودات زنده جمع می‌شود و پس از مرگ آن‌ها با انتشار تشعشعات رادیواکتیو، تجزیه می‌گردد. در واقع، هر ترکیب ارگانیک پس از مرگ، یک ساعت اتمی در خود به‌وجود می‌آورد. بنابراین برای تعیین عمر یک شی باستانی با منشأ ارگانیک نیاز به دانستن تعداد ایزوتوپ‌های رادیوکربن آن است (ر.ک: وحیدنیا، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰).

به نظر دروش، روش کربن ۱۴ به‌ظاهر قابل‌اعتمادتر از روش خط‌شناسی است (ر.ک: دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۹). نسخه‌های کهنی که در دهه‌های اخیر کشف شده است با آزمایش کربن ۱۴ تاریخ‌گذاری شده‌اند. در سال ۲۰۱۵ دو برگ پوست‌نوشته در کتابخانه دانشگاه بیرمنگام کشف شد که آیاتی از سوره‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ (کهف، مریم و طه) به خط مایل بر روی آن‌ها نوشته شده است. واحد رادیوکربن آکسفورد قدمت این نسخه را با درجه صحت ۹۵/۴٪ بین سال‌های ۵۶۸ و ۶۴۵ میلادی (۹۷۵ و ۱۰۵۴ قمری) اعلام کرد (قرآن بیرمنگام، ۲۰۱۵م). مصحف صنعاء ۱، بر اساس آزمایش کربن ۱۴ روی برگه استنفورد ۲۰۰۷ در آزمایشگاه آریزونا، این برگه با انحراف معیار با احتمال ۶۸٪، قدمتش به سال‌های ۶۱۴ تا ۶۵۶ میلادی (۹ قبل از هجرت تا ۳۳ هجری) می‌رسد. این آزمایش بر اساس دو انحراف معیار، با احتمال ۹۰٪، متعلق به سال‌های میان ۵۷۸ تا ۶۶۹ میلادی (۴۵ قبل از هجرت تا ۴۶ هجری) است. بعدها نمونه‌ای دیگر از همان برگه (استنفورد ۲۰۰۷) در آزمایشگاه آکسفورد مورد آزمایش قرار گرفت که نتایج با احتمال ۹۵/۴٪، عمر برگه را مابین سال‌های ۵۶۴ تا ۶۵۵ میلادی (۴۶ قبل از هجرت تا ۳۵ هجری) نشان داده است. این نتیجه به‌طور کلی با نتیجه دانشگاه آریزونا نیز همخوانی دارد. این آزمایش‌ها همچنان ادامه یافت و در نهایت این نتیجه حاصل شد که هم شواهد خط‌شناختی و نسخه‌شناختی و هم نتایج برآمده از آزمایش‌های کربن روی پوست‌برگه‌های مختلفی از مصحف صنعاء ۱ نشان می‌دهند لایه زیرین این مصحف در زمانی بسیار زود هنگام، دست‌کم در نیمه نخست سده اول هجری کتابت شده است (ر.ک: صادقی و گودرزی، ۱۴۰۰، ص ۳۱). در مورد مصحف مشهد رضوی، از هریک از دو نسخه ۱۸ و ۴۱۱۶ نمونه‌برداری و مجموعاً هشت آزمایش در آزمایشگاه دانشگاه آریزونا و مجدداً در جورجیا، آزمایشگاه زوریخ در سوییس، و آزمایشگاه دانشگاه آکسفورد انجام گرفت که این تعداد آزمایش بر روی هیچ نسخه قرآنی در جهان انجام نگرفته است. طبیعی است هرچه تعداد آزمایشگاه‌ها و تعداد آزمایش‌ها بیشتر باشد، تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از دقت بسیار بالاتری برخوردار خواهد بود. مجموع بررسی‌ها در آزمایش‌های فوق، نشان می‌دهد که برگه‌های مصحف مشهد رضوی با تقریب دو انحراف معیار متعلق به بازه زمانی نیمه دوم سده نخست و اوایل سده دوم هجری است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پالئوگرافی در این مصحف، و انضمام آن به نتایج آزمایش



کربن ۱۴، نتیجه چنین است که این اثر متعلق به نیمه دوم سده نخست هجری است (کریمی نیا، ۱۴۰۱، ص ۲).

اما آیا می توان به این آزمایش ها اعتماد کرد و این پوست نوشته های قرآنی را متعلق به سده نخست و حتی نیمه اول از سده نخست هجری دانست؟ دروش، که تجربه فهرست نویسی مصاحف خطی در کتابخانه ملی پاریس را با خود دارد، تأکید می کند که باید درباره نتایج حاصل از این گونه آزمایش ها محتاط بود. وی علت این احتیاط را اعتبارسنجی روش یاد شده با تکیه بر دو مصحف با انجامه مطرح می کند که اولی وقف نامه ای به تاریخ ۱۰۲۰م/۴۱۰ق و دومی به تاریخ ۹۰۷م/۲۹۵ق داشته است. آزمایش کربن ۱۴ نمونه پوستی که از مصحف اول جدا شد و در اختیار آزمایشگاه قرار گرفت را به سال های میان ۸۷۱ تا ۹۸۶ میلادی (۲۵۷ تا ۳۷۵ هجری) منسوب ساخت و محتمل ترین سال را ۹۳۷م/۳۲۵ق تشخیص داد که از تاریخ وقف ۱۰۲۰م/۴۱۰ق، ۸۳ سال قدیمی تر است! پوست مورد استفاده در نگارش مصحف دوم نیز به سال های ۷۱۶ تا ۸۱۹ (۹۷ تا ۲۰۳ قمری) میلادی نسبت داده شد و محتمل ترین تاریخ ۷۹۱م/۱۷۴ق معرفی شد که از تاریخ وقف ۹۰۷م/۲۹۴ق، ۱۱۶ سال کهن تر است! (ر.ک: دروش، ۱۳۹۴، ص ۲۹-۳۳).

در توجیه اختلافی که آزمایش کربن ۱۴ با تاریخ واقعی کتابت این مصاحف دارد، می توان گفت که تاریخ کتابت بر روی پوست، سال ها بعد از جدا شدن پوست از بدن حیوان بوده است. اما این مطلب را هم باید پذیرفت که با آزمایش کربن ۱۴ نمی توان تاریخ کتابت را تعیین کرد؛ بلکه تنها معلوم می شود که چه زمانی پوست مورد نظر از بدن حیوان جدا شده است.

در مورد مصحف صنعاء ۱، دروش با پیش عثمانی بودن این مصحف موافق نیست. از نظر وی مصحف صنعاء خلال نیمه دوم از قرن نخست نوشته شده و از اواسط سده دوم به بعد پاک شده است. چراکه معتقد است برخی ویژگی های لایه رویی بیشتر با نسخه های سده دوم سازگار است. گذشته از این، وی معتقد است نوع خط در لایه رویی هر چند مکرراً خط حجازی خوانده شده، اما شکل برخی از حروف آن می تواند مربوط به گروه C از تقسیم بندی خطوط توسط خود او باشد. به عقیده وی وجود چند مورد از رسم الخط کامل در متن لایه قدیم تر، هر چند برای اثبات تاریخ گذاری متن در زمانی متأخر ناکافی است، اما حاکی از آن است که این متن هنگامی کتابت شده که ارتقای قواعد املائی قرآنی آغاز شده بوده است. در این مخطوط وجود عناوین سوره ها و ابزارهای تزئینی مابین سوره ها نیز به اواخر سده نخست اشاره دارد. وی معتقد است اگر یافته های صادقی و برگمن در خصوص وجود علائم اعراب در متن زیرین مصحف صنعاء ۱ صحیح باشد، این امر می تواند استدلال دیگری بر متأخر بودن مصحف اصلی باشد (وحیدنیا، ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۲۶).

نقطه قوت آزمایش رادیوکربن بر روی مخطوطات کهن قرآنی، نزدیک بودن نتایج قرآن هایی است که از نظر خط شناسی تقریباً در یک دسته قرار می گیرند. مثلاً قرآن های آزمایش شده که سبک خط آن ها در گروه B1a طبقه بندی شده است اکثراً در یک بازه حدود ۶۰ ساله تقریباً مابین سال های ۳۰ تا ۹۰ هجری قرار دارند. نتایج به دست آمده برای مخطوط لایدن با احتمال بالاتر بین سال های ۳۱ تا ۷۴ هجری، قرآن توینگن

بین سال‌های ۲۸ تا ۳۶ هجری و قرآن ویتزشتاین ۲، بین سال‌های ۴۱ تا ۹۵ هجری، همگی در این محدوده واقع شده‌اند. نتایج در خصوص قرآن‌های حجازی هم تقریباً همگی در بازه‌ای تاریخی از حدود ۵۰ سال پیش از هجرت تا حدود سال ۶۷۰ میلادی یا ۵۰ هجری قرار می‌گیرند (وحیدنیا، ۱۳۹۷، ص ۱۲۹). علی آقایی و میشایل مارکس در مقاله‌ای نتایج تاریخ‌یابی کربن ۱۴ بر روی هفت پوست‌نوشت قرآنی و یک پوست‌نوشت انجیل سریانی (پشیطا) را که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند، ارائه و با اطلاعات خط‌شناسی دست‌نوشت‌های کهن قرآنی به خط کوفی مقایسه کرده‌اند. این آزمایش‌ها تاریخ تقریبی این پوست‌نوشته‌ها - که مطابق با سبک‌شناسی خط کوفی آن‌ها تعیین شده بود - را تأیید می‌کند. این نتایج شواهدی به دست می‌دهند که حتی می‌توان بر مبنای آن تاریخ دست‌نوشت‌های قرآنی به خط کوفی سبک D را به دوره‌های متقدم‌تر بازگرداند (Aghaei and Josef Marx, 2021, p205).

نزدیک بودن نتایج رادیوکربن در قرآن‌های با خط حجازی و همچنین شباهت تقریبی نتایج سالیابی کربن ۱۴ قرآن‌های با خط گروه B در دسته‌بندی پالنوگرافیک فرانسوا دروش به یکدیگر می‌تواند هم دقت آزمایش کربن ۱۴ و هم دقت تلاش‌های پالنوگرافیک و طبقه‌بندی‌های خط‌شناسانه را نشان دهد (وحیدنیا، ۱۳۹۷، ص ۱۳۰).

۴- ارتباط مصاحف کهن با صحیفه‌های قرآنی مکتوب در عصر پیامبر ﷺ

از آیاتی در قرآن چنین استفاده می‌شود که قرآن در همان سال‌های نخست پیامبری حضرت محمد ﷺ به نگارش درآمده است (رک: شاکر، ۱۴۰۳، ص ۲۴۸-۲۶۰) مطابق با آیه ۵ سوره فرقان که از سوره‌های مکی و چهل و دومین سوره نازل شده بر پیامبر ﷺ است و در سال ششم پس از بعثت نازل شده است (ر.ک: بازرگان، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۱) چنین آمده: «وَقَالُوا أَأُتِلُوا الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» این آیه سخن مشرکان را گزارش می‌کند که مدعی بودند قرآن به وسیله شخص یا اشخاصی بر حضرت محمد ﷺ املا شده، و ایشان دستور داده تا آن را مکتوب کنند. بنابراین، آیه به روشنی دلالت دارد آنچه پیامبر ﷺ به عنوان قرآن بر مردم عرضه می‌کرده، بی‌درنگ به صورت مکتوب نیز محقق شده است.

در این آیه مشرکان که دشمنان پیامبر ﷺ بودند از قرآن مکتوب در سال‌های اول بعثت گزارش داده‌اند و قرآن صرفاً به نقل سخن آن‌ها پرداخته است. پس تنها خود قرآن نیست که مکتوب بودن متن‌های اولیه قرآن را تأیید کرده، بلکه مخالفان الهی بودن قرآن نیز اذعان دارند که در همان سال‌های اولیه بعثت پیامبر ﷺ با صحیفه‌های مکتوب از قرآن مواجه بوده‌اند.

در آیات دیگری نیز به صراحت از صحف (جمع صحیفه) نام برده شده که حاوی آیات و سوره قرآن بوده است. در سوره بینه آمده است: «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ» (بنه: ۲-۳). این آیه صراحت دارد که پیامبر ﷺ صحیفه‌هایی را تلاوت می‌کرد که در آن نوشته‌هایی ارزشمند وجود داشته و آن‌ها همان سوره‌های قرآن بوده است.

همچنین در سورة عبس آمده است: «كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ، فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ، فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ، مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ، بِأَيْدِي سَفَرَةٍ، كِرَامٍ بَرَرَةٍ» (عبس: ۱۱-۱۶). در تفسیر «سَفَرَةٍ» سه قول نقل شده است. یک: مراد از «سَفَرَةٍ» کاتبان وحی هستند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق؛ میدی، ۱۳۷۱؛ لاهیجی، ۱۳۷۳؛ ماتریدی، ۲۰۰۵م؛ گنابادی، ۱۹۸۸م؛ حوی، ۲۰۰۳م؛ صنعانی، ۱۹۹۱م؛ ماوردی، بی تا، ذیل آیه ۱۵ سورة عبس)؛ دو: مراد حافظان و قاریان قرآن هستند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق؛ سیوطی، ۱۴۰۴م؛ میدی، ۱۳۷۱؛ مشهدی، ۱۳۸۱؛ طبرسی، ۱۳۸۴؛ ماوردی، بی تا، ذیل آیه ۱۵ سورة عبس)؛ سه: مراد فرشتگان هستند (ر.ک: مقدسی حنبلی، ۲۰۱۱م؛ لاهیجی، ۱۳۷۳؛ ابن قتیبه، ۱۹۹۱م؛ شبر، ۱۹۸۶م؛ فضل الله، ۱۹۹۸م؛ طبرسی، ۱۳۸۴؛ ماوردی، بی تا، ذیل آیه ۱۵ سورة عبس). بنا بر دو قول نخست، مراد از «صُحُف»، صحیفه هایی است که کاتبان وحی، قرآن را بر آن ها می نگاشتند و قاریان از روی آن ها قرائت می کردند. شاهد بر صحت این مطلب، قرآنی که مایه پند و اندرز برای مردم است تا اگر بخواهند پند گیرند «فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ»، همین قرآنی است که در قالب صُحُفی در دست آن هاست؛ نه قرآنی که در دست فرشتگان است! باید افزود در عبری واژه «סֵפֶר» (sepher) به معنای کاتب است که در عهد عتیق نیز به کار رفته است (داوران، ۱۴: ۵؛ مزامیر، ۵۱: ۴؛ حزقیال، ۹: ۲، ۳). لغت شناسان نیز سافر را کاتب معنا کرده اند. حتی ابن منظور می گوید در نبطی، کاتب را سافرا می خوانند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۷۱). صولی در ادب الکاتب می نویسد: و قال: «بأیدی سفرة کرام بررة»؛ فالسفرة الکتبه، لواحد سافر و الجمع سفرة، مثل کافر و کفرة. و معنی سافر کاتب یکتب فی الأسفار، واحدها سفر، و هی الصحف (صولی، ۱۳۴۱ق، ج ۱، ص ۲۳-۲۴). البته بیشتر مترجمان قرآن، سَفَرَةَ را جمع سفیر و به معنای فرشتگان ترجمه کرده اند (ر.ک: الهی قمشه ای، انصاریان، خسروی، فولادوند، مجتبی، مکارم شیرازی، صفارزاده). این در حالی است که جمع سفیر، سُفَرَاء است و نه سَفَرَةُ. با این حال، آیتی آن را به «کاتبان» برگردان کرده است. این نکته هم گفتنی است در هیچ آیه ای چنین ذکر نشده که قرآن توسط فرشتگان (به لفظ جمع) بر پیامبر ﷺ وحی شده است یا جبرئیل آن را از فرشتگان دیگری گرفته و بر پیامبر ﷺ وحی کرده است. آیات قرآن تنها بر این امر صراحت دارد که جبرئیل واسطه وحی قرآن بر پیامبر ﷺ بوده و آنچه را خداوند به او وحی کرده، او نیز به پیامبر ﷺ وحی می کرده است.

سورة عبس از نظر ترتیب نزول، بنا بر اختلاف روایات، از سورة بیستم تا بیست و چهارم گزارش شده است که مربوط به سال های آغازین بعثت است و بنا بر ترتیب مذکور در قرآن چاپ اعتمادالسلطنه و نیز ترتیب پیشنهادی بازرگان، نزول آن مربوط به سال دوم بعثت است (بازرگان، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۴۸). بنابراین می توان گفت قرآن کریم در سال اول یا دوم بعثت در صحیفه هایی مکتوب بوده است.

نتیجه آنکه، در قرآن از صحیفه های قرآنی که توسط کاتبان وحی در زمان نزول قرآن به نگارش درآمده بوده، به مثابه یک واقعیت تاریخی گزارش شده است و همین صحیفه ها منابع مکتوب برای مصاحف کهن قرآنی بوده اند. دلیل نگارنده بر اینکه صحیفه های مکتوب در عصر نزول، منابع کاتبان قرآن در دهه های بعد از رحلت رسول خدا ﷺ بودند، اندک بودن اختلاف در متن مصاحف کهنی است که اکنون در دسترس است

(ر.ک: صادقی و گودرزی، ۱۴۰۰، ص ۷۲). چنانچه این مصاحف کهن موجود از روی مصاحف قرآنی پیش از خود نسخه برداری نشده بودند، به طور طبیعی باید اختلافات فراوانی در مصاحف به چشم می خورد. زیرا در این صورت باید پذیرفت که قرآن نیز مانند سنت پیامبر ﷺ، پس از گذشت ده ها سال به قید کتابت و تدوین درآمده است. همان طور که واضح است، انتقال میراث شفاهی حدیث به کتب حدیثی با اختلافات فراوان در نقل احادیث همراه شده است. از طرفی محتمل است گفته شود قیاس قرآن به روایت، دقیق نیست؛ زیرا اهتمام به تلاوت و حفظ قرآن و تلاوت روزانه در نماز و غیرنماز هیچ گاه مانند سخنان پیامبر ﷺ نبوده است، و بعید نیست حتی زمان خود پیامبر ﷺ، سخنان ایشان به صورت طبیعی نقل به معنا شده و تأکیدی بر حفظ و نقل عین الفاظ پیامبر ﷺ وجود نداشته باشد. ضمن تأیید اصل این اشکال، نمی توان از این نکته عبور کرد که نقل شفاهی سنت سبب بسیاری از اختلافات در متون حدیثی شده است که بسیاری از آن ها اصلاً قابل جمع نیستند. حتی در خصوص وقایع مهمی مانند تاریخ رحلت پیامبر ﷺ که بحث نقل به معنا در مورد آن مطرح نیست، بلکه بحث آن است که پیامبر در زمان رحلت، شخصیت برجسته ای بودند و اصحاب فراوانی داشتند که شاهد این واقعه و تاریخ وقوع آن بوده اند. اما در همین مورد هم مسلمانان متن های مختلفی با تاریخ های مختلف به ثبت رسانده اند! یا در مورد برخی از اعمال و مناسکی که مسلمانان روزانه چند مرتبه انجام می دهند متون مختلفی با بیان شیوه های مختلف در انجام آن مناسک، به جای مانده است.

همین انسجام و وحدت رویه در نگارش قرآن در مصاحف مختلف، توسط یکی از پژوهشگران دانشگاه لایدن هلند مورد توجه قرار گرفته و آن پژوهشگر را به این نتیجه رسانده است که مصاحف کهن موجود، مسبقاً به متن واحد مکتوبی بوده اند که همگی بر اساس همان متن مکتوب بازنویسی شده اند. مارین فان پاتن در این مقاله به کلمات مؤنثی چون «نعمه، رحمة، سنة و کلمة» پرداخته است که در قرآن گاه با «ة» و گاه با «ت» نوشته شده است. این کلمات را به رغم آنکه به هردو شکل می توان نوشت - که در کتابت مصاحف کهن موجود نیز چنین اتفاق افتاده است - اما به طرز شگفت آوری در نسخه های مختلف قرآن دارای هماهنگی در نوع نگارش است. به طور مثال، کلمه «نعمه» در قرآن ۲۳ دفعه آمده که ۱۲ مرتبه به صورت «نعمه» و ۱۱ مرتبه به صورت «نعمت» است. بررسی این پژوهشگر نشان داده که در همه نسخه ها - جز در چند مورد اندک - هماهنگی وجود دارد؛ یعنی آن ۱۲ مورد، در همه نسخه ها به صورت «نعمه» و آن ۱۱ مورد به صورت «نعمت» کتابت شده است که این امر نشان می دهد کاتبان به صورت دلخواه و سلیقه ای یکی از این دو روش را انتخاب نکرده اند؛ بلکه دقیقاً مطابق آنچه در نسخه الگو نوشته شده بود، می نوشتند (See: Van Putten, 2019, P 271-288).

از آنچه در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. هیچ‌کدام از مصاحف کهن موجود را نمی‌توان متعلق به زمان حیات پیامبر ﷺ دانست. عدم بقای نسخه‌های اولیه قرآن را می‌توان به علل گوناگونی نسبت داد. یکی از این علل، نابودی مصاحف صحابه به دستور عثمان است. همچنین به سبب استفاده مکرر، نسخه‌ها به سرعت فرسوده می‌شدند. برای جلوگیری از بی‌احترامی احتمالی به نسخه‌های فرسوده، صاحبان مصاحف آن‌ها را در آب می‌ریختند یا در جایی دفن می‌کردند. نمونه‌ای از این رفتار را می‌توان در نسخه‌های قدیمی مسجد صنعاء مشاهده کرد که در دیوار و سقف مسجد جامع صنعاء قرار داده شده بودند. از سوی دیگر، وقف مصاحف و نگهداری در مراکز عمومی، مانند آنچه در مورد مصحف مشهد رضوی اتفاق افتاده است، بسیار نادر بوده و بیشتر نسخه‌ها به دلیل استفاده فراوان در قرائت و ختم قرآن یا سهل‌انگاری و ژاژ، نابود شده یا به قطعاتی تقطیع شده‌اند. از این رو، کشف نسخه‌های قدیمی در دهه‌های اخیر نیز اغلب به صورت قطعه‌قطعه بوده که در انبارهای جنیزه‌مانند مساجد نگهداری می‌شده‌اند.

۲. گرچه اکنون دسترسی به مصحفی مکتوب از زمان حیات پیامبر ﷺ وجود ندارد، اما کهن‌ترین مصاحف موجود نشان می‌دهند که این نسخه‌ها از روی مصاحف اصلی که در زمان پیامبر ﷺ نوشته شده، نسخه‌برداری شده‌اند. اختلافات بین مصاحف کهن بسیار اندک و معمولاً در جزئیات است. چنانچه این مصاحف تنها بر اساس منابع شفاهی نوشته شده بودند، باید اختلافات بسیار بیشتری می‌داشتند.

۳. تاریخ‌گذاری مصاحف با روش‌های مختلف قابل انجام است. یکی از آن‌ها تاریخ‌گذاری بر اساس انجامه است. واقعیت آن است که مصاحف با انجامه معتبر مربوط به سده‌های اول و دوم هنوز یافت نشده است و نیز از سده سوم هجری نیز بسیار کمیاب است. مصاحف قرآنی فراوانی به امام علی (ع) و فرزندان ایشان یا به برخی از صحابه به‌ویژه عثمان نسبت داده شده است، اما هیچ‌کدام تاکنون با شواهد علمی که دال بر صحت انتساب باشد، همراه نیست.

۴. خط مایل، خاستگاهش حجاز باشد یا شام، در پایان سده نخست هجری رو به افول نهاده و پس از آن مصاحف با خط کوفی نوشته شده‌اند. بنابراین، مصاحفی که با خط مایل نگارش شده‌اند، متعلق به سده نخست هجری هستند.

۵. در برخی از مصاحفی که به خط مایل نوشته شده‌اند، نقطه‌های اعجمی وجود دارد که شاید گمانه‌زنی در مورد متأخر بودن این مصاحف را تقویت کند؛ زیرا معروف است که پایه‌گذار نقطه‌های اعجمی نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر بوده‌اند که هردو در سال ۹۰ هجری درگذشته‌اند. اما باید گفت اولاً، با فرض اینکه خط عربی تا پیش از سال ۹۰ هجری (سال وفات نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر) فاقد نقطه اعجمی بوده باشد، باز هم می‌توان این‌گونه مصاحف را مربوط به پایان سده نخست هجری دانست. ثانیاً، عدم نقطه در خط عربی پیش از سال ۹۰ هجری جزء مسلمات نیست؛ بلکه حتی در برخی آثار به‌جای‌مانده از پیش



از اسلام هم نقطه وجود دارد. آنچه از مشاهده نقوش قدیم عربی و مقایسه آن با مصاحف کهن به دست می آید این است که مصاحف قدیم از نظر رسم الخط همان ویژگی هایی را داراست که نقوش قدیم عربی داشته اند.

۶. آزمایش های کربن ۱۴ که بر روی نوشته های تاریخ دار انجام شده، اغلب تاریخ قدیمی تری را نشان می دهند. این مسئله بیش از آنکه نشانگر ضعف آزمایش کربن ۱۴ باشد، نشان دهنده قوت آن است؛ چراکه ممکن است کتابت نسخه ها سال ها پس از تهیه چرم آن ها انجام شده باشد و این نوع آزمایش تنها میزان قدمت چرم را تعیین می کند، نه تاریخ نوشته روی آن را. بنابراین، ادعای کسانی که گفته اند نتایج آزمایش کربن ۱۴ نشان می دهد برخی نسخه های قرآنی متعلق به پیش از بعثت پیامبر ﷺ است و در زمان صدر اسلام بازنویسی شده، ادعایی غیرعلمی است.



فهرست منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

۱. ابن اثیر، علی (۱۹۹۴م). أسد الغابة، بیروت: دار الکتب العلمية.
۲. ابن جزری، محمد (بی تا). النشر فی القرائات العشر، بیروت: دار الکتب العلمية.
۳. ابن خلکان، احمد (بی تا). وفيات الأعیان، بیروت: دار الفكر.
۴. ابن عبدالبر، یوسف (۱۹۹۲م). الاستیعاب، بیروت: دار الجیل.
۵. ابن عساکر، علی (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینة دمشق، بیروت: دار الفكر.
۶. ابن قتیبہ، عبدالله (۱۹۹۱م). تفسیر غریب القرآن، بیروت: مکتبة الهلال.
۷. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. ابن ندیم، محمد (۱۹۹۷م). الفهرست، بیروت: دار المعرفة.
۹. ابو عبیدة، معمر (۱۳۸۱ق). مجاز القرآن، قاهره: مکتبة الخانجی.
۱۰. امیر معزی، محمد علی (۱۳۸۸). «یک متن و تاریخی رمز آلود»، هفت آسمان، شماره ۴۲.
۱۱. بازرگان، مهدی (۱۳۶۷). سیر تحول قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. جبوری، سهیلة (۱۹۷۷م). اصل الخط العربی و تطوره، بغداد: جامعة بغداد.
۱۳. حوی، سعید (۲۰۰۳م). الأساس فی التفسیر، قاهره: دار السلام.
۱۴. خطیب بغدادی، احمد (۱۹۸۳م). الجامع لأخلاق الروای و آداب السامع، ریاض: مکتبة المعارف.
۱۵. دانی، عثمان بن سعید (۱۹۷۸م). المقنع فی رسم مصاحف الأمصار، قاهره: مکتبة الکلیات الأزهرية.
۱۶. دروش، فرانسوا (۱۳۹۴). قرآن های عصر اموی، ترجمه: مرتضی کریمی نیا و آلاء وحیدنیا، تهران: هرمس.
۱۷. رامیار، محمود (۱۳۶۲). تاریخ قرآن، تهران: امیرکبیر.
۱۸. سجستانی، ابوبکر (۲۰۰۲م). کتاب المصاحف، بیروت: الفاروق الحديثة.
۱۹. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور. قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی.
۲۰. شاکر، محمد کاظم (۱۴۰۳). «ادله قرآنی نگارش قرآن در عصر پیامبر ﷺ»، سراج منیر، شماره ۴۹، صص ۲۴۱-۲۶۸، DOI: 10.22054/ajsm.2024.80879.2056.
۲۱. شبر، عبدالله (۱۹۸۶م). الجوهر الثمین، کویت: شرکت مکتبة الفین.
۲۲. صادقی، بهنام؛ گودرزی، محسن (۱۴۰۰). مصحف صنعاء ۱ و مسئله خاستگاه قرآن، تهران: هرمس.
۲۳. صنعانی، عبدالرزاق (۱۹۹۱). تفسیر القرآن العزیز، بیروت: دار المعرفة.
۲۴. صولی، محمد بن یحیی (۱۳۴۱ق). ادب الکاتب، قاهره: المطبعة السلفية.
۲۵. طبرسی، فضل (۱۳۸۴). مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
۲۶. طبری، محمد (۱۴۱۲ق). جامع البیان، بیروت: دار المعرفة.
۲۷. فراهیدی، خلیل (بی تا). العین، بیروت: دار و مکتبة الهلال.



۲۸. فرید، امیر؛ مرادی سیرچی، فاطمه (۱۴۰۲)؛ «تأثیرات کوفی ایرانی (پیرآموز) بر شکل‌گیری اقالم سته»، پیکره، شماره ۳۱، صص ۱۸-۳۳. DOI: 10.22055/PYK.2023.42630.1357.
۲۹. فضل‌الله، محمدحسین (۱۹۹۸م). من وحی القرآن، بیروت: دار الملاک.
۳۰. قدوری، غانم (۱۹۸۲م). رسم المصحف، بغداد: اللجنة الوطنية.
۳۱. قدوری، غانم (۱۹۸۶م). «موازنة بين رسم المصحف و النقوش العربی القديمة»، المورد، شماره ۴، صص ۲۷-۴۴.
۳۲. قلقشندی، احمد (بی‌تا). صبح الأعشی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۳. قیدر، مریم؛ توکلی، مرتضی (۱۴۰۱). «واکاوی آرای علمای رسم المصحف در مصاحف کهن: مطالعه موردی مصحف شماره ۱ آستان قدس رضوی (مصحف منسوب به امام علی علیه السلام)»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ۷۳، صص ۱۳-۵۲.
۳۴. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۴۰۱). راهنمای فارسی مصحف المشهد الرضوی، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۳۵. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۶). «گزارش نشست علمی مصحف‌نگاری قرآنی در قرون نخست و تأثیر آن در شناخت ما از تاریخ قرآن»، <https://www.riqh.ac.ir/post/58667>.
۳۶. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۷). «قرآن ۱۲۰۰ در موزه آستانه حضرت معصومه علیها السلام»، قرآنی از عهد مأمون عباسی یا قرن پنجم هجری»، آینه پژوهش، شماره ۴، صص ۸۷-۹۶.
۳۷. گنابادی، محمد (۱۹۸۸م). بیان السعادة في مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۸. لاهیجی، محمد (۱۳۷۳). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: داد.
۳۹. ماتریدی، محمد (۲۰۰۵م). تأویلات أهل السنة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۰. مارکس، میثابیل (۱۳۹۱). «قرآن نخستین کتاب عربی/ گزارشی از یافته‌های باستان‌شناختی نمایشگاه جاده‌های عربستان»، کتاب ماه دین، سال ۱۵، شماره ۵۷، صص ۱۰۵-۹۴.
۴۱. ماوردی، علی (بی‌تا). النکت و العیون، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۲. مشهدی، میرزامحمد (۱۳۸۱). کنز الدقائق، قم: دار الغدیر.
۴۳. مصحف المشهد الرضوی، <https://codexmashhad.com>.
۴۴. مقدسی حنبلی، مجیرالدین (۲۰۱۱م). فتح الرحمن فی تفسیر القرآن، دمشق: دار النوادر.
۴۵. منجد، صلاح‌الدین (۱۹۷۹م). دراسات فی تاریخ الخط العربی، بیروت: دار الكتاب الجديد.
۴۶. مهدوی‌راد، محمدعلی؛ سهرابی، محمد (۱۴۰۱). «خط مایل در مصاحف کهن (خاستگاه، گستره رواج، علت افول)»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۴۸۷-۵۰۴.
- DOI: 10.22059/jqst.2022.342003.669989
۴۷. میبدی، رشیدالدین (۱۳۷۱). کشف الأسرار، تهران: امیرکبیر.
۴۸. نامی، خلیل (۱۹۳۵م). اصل الخط العربی و تاریخ تطوره، قاهره: مطبعة بول باریة حاره.
۴۹. نقشبندی، ناصر (۱۹۷۴م). «منشأ الخط العربی و تطوره»، سومر، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۴۲.

۵۰. نیل ساز، نصرت (۱۳۹۳). «مروری بر مقاله مسئله تاریخ گذاری قرآن های کهن - نوشته آدلف گروهمن»، آینه پژوهش، شماره ۱۴۹-۱۵۰، صص ۱۲۸-۱۲۹.
۵۱. نیل ساز، نصرت (۱۳۹۶). «مروری بر مقاله نسخه های خطی قرآن - نوشته فرانسوا دروش»، آینه پژوهش، شماره ۱۶۴، صص ۴۵-۶۲، DOI: [10.22081/jap.2017.65203](https://doi.org/10.22081/jap.2017.65203).
۵۲. وحیدنیا، آلاء (۱۳۹۷). «تاریخ گذاری مخطوطات قرآنی در پرتو روش های نوین علمی (آزمایش کربن ۱۴)»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۳، صص ۹۹-۱۳۱.
۵۳. ولفنسون، اسرائیل (۱۹۲۹م). تاریخ اللغات السامیه، قاهره: مطبعة الإعتداد.
54. Aghaeia, Ali and Marx, Michael (2021). "Carbon Dating of Seven Parchment Qur'an Manuscripts and One Syriac Bible of the National Museum of Iran", *Journal of Iran National Museum*, Vol. 2, No. 1, Serial No. 2.
55. Donner, Fred M. (1984); "Some Early Arabic Inscriptions from Al-Hanākiyya, Saudi Arabia", *Journal of Near Eastern Studies*, 43 (3).
56. Hawting, Gerald R. (1999), *The Idea of Idolatry and the Emergence of Islam*, university of CAMBRIDGE.
57. Islamic Awareness; "Radiocarbon (Carbon-14) Dating Of The Manuscripts Of The Qur'an", [Islamic Awareness](#).
58. J. R. Arnold & W. F. Libby (1949). "Age Determination By Radiocarbon Content: Checks With Samples Of Known Age", *Science*, Volume 110.
59. R.E. Taylor (1987). *Radiocarbon Dating: An Archaeological Perspective*, Academic Press, Inc.: Orlando (FL).
60. Al-Sharkawi, Muhammad (2016). *History and Development of the Arabic Language*, London: Routledge.
61. Van Putten, Marijn (2019). "The Grace of God" as evidence for a written Uthmanic archetype: the importance of shared orthographic idiosyncrasies", *London: Bulletin of SOAS*, 82, 2.
62. Versteegh, Kees (2009). *Encyclopedia of Arabic Language and Linguistics*, Leiden: Brill Academic.
63. W.F. Libby, E. C. Anderson & J. R. Arnold (1949). "Age Determination By Radiocarbon Content: World-Wide Assay Of Natural Radiocarbons", *Science*, Volume 109.